
تحلیل انتقادی ترجمه
رهیافتی نقش‌گرا

علیرضا خان‌جان

www.ketab.ir



سرشناسه: خان جان، علیرضا، ۱۳۴۹ -
 عنوان و نام پدیدآور: تحلیل انتقادی ترجمه، رهیافتی نقش‌گرا/علیرضا خان جان؛ ویراستار سیما حسن‌دخت.
 مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.
 شابک: 978-964-329-456-4
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۴۱-۲۵۱.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: ترجمه
 Translating and interpreting
 رده‌بندی کنگره: P۳۶۰
 رده‌بندی دیویی: ۴۱۸/۰۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۷۱۰۳

www.ketab.ir



علیرضا خان جان
 تحلیل انتقادی ترجمه (رهیافتی نقش‌گرا)
 چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: ۱۴۰۰
 آماده‌سازی، صفحه‌آرایی و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه
 ویراستار: سیما حسن‌دخت
 چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
 شمارگان: ۵۵۰ نسخه
 همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشر آگه

تهران، خیابان بزرگمهر، تقاطع خیابان فلسطین، شماره‌ی ۲۲
 تلفن: ۶۶۴۶۳۱۵۵ و ۶۶۹۷۴۸۸۴
 ایمیل: info@agahpub.com
 اینستاگرام: @agahpub
 وب‌گاه: agahpub.com

قیمت: ۸۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	۱ مقدمه
۲۷	۲ «ارزیابی کیفیت ترجمه» از نگاه دیگران
۲۷	۱-۲ مقدمه‌ی فصل
۲۸	۲-۲ مروری بر پیشینه‌ی نقد الگوی هاوس
۳۵	۳-۲ خلاصه‌ی فصل
۳۷	۳ زمینه‌ی نظری
۳۷	۱-۳ مقدمه‌ی فصل
۳۸	۲-۳ رویکردهای غالب در تحلیل انتقادی گفتمان
۴۱	۱-۲-۳ الگوی اجتماعی-شناختی و ن‌دایک
۴۵	۲-۲-۳ الگوی زبان‌شناسی اجتماعی گفتمانی و داک
۴۷	۳-۲-۳ الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف
۵۲	۳-۳ درآمدی به زبان‌شناسی سازگانی-نقش‌گرای هلیدی
۷۰	۱-۳-۳ انواع معنا در ترجمه: رویکردی سازگانی-نقش‌گرا
۸۱	۴-۳ ماهیت مفهومی ایدئولوژی
۸۴	۵-۳ نظریه‌ی بینامتنیت
۸۸	۶-۳ خلاصه‌ی فصل
۹۱	۴ بازخوانی و نقد الگوی ارزیابی کیفیت ترجمه
۹۱	۱-۴ مقدمه‌ی فصل

۹۱	۲-۴ بازخوانی الگوی هاؤس
۱۰۳	۳-۴ نقد الگوی هاؤس
۱۳۴	۴-۴ خلاصه‌ی فصل
۱۳۷	۵ پیشنهاد الگوی تحلیل انتقادی ترجمه
۱۳۷	۱-۵ مقدمه‌ی فصل
۱۳۸	۲-۵ معرفی الگوی تحلیل انتقادی ترجمه
۱۷۹	۱-۲-۵ جمع‌بندی الگو و شیوه‌ی کاربرد آن
۱۸۶	۲-۲-۵ نمونه‌هایی از کاربرد عملی الگو
۲۳۴	۳-۵ سخن پایانی
۲۴۱	منابع
۲۵۳	نمایه

پیش گفتار

به گمان‌ام آگوست گُنت بوده که گفته است: «هیچ کس نمی‌تواند راه رفتن خودش را توی پیاده‌رو از پنجره تماشا کند». حق با اوست. تنها یک مشاهده‌گر بیرونی که بر من اشراف نظر داشته باشد می‌تواند در مورد راه رفتن من در خیابان قضاوت کند و بگوید که چگونه می‌توانم شیوه‌ی راه رفتن خود را اصلاح کنم. ترجمه چون با خوانش متن و با برداشت‌های ذهنی مترجم سروکار می‌یابد، ناگزیر ماهیتی هرمنووتیکی به خود می‌گیرد و از آنجایی که خوانش مترجم از متن لزوماً کامل نیست (به این دلیل ساده که ظرفیت ذهنی انسان محدود است)، همواره گفته‌اند که هیچ ترجمه‌ای ره به کمال نخواهد برد. از این رو، نقد ترجمه می‌تواند به من مترجم علامت بدهد که در فلان حوزه‌ی بخصوص کاستی داشته‌ام یا می‌توانسته‌ام بهتر عمل کنم تا من بتوانم در ویرایش بعدی یا در ترجمه‌های آتی به اعتبار نظرات منتقد منصف و خبره کارم را بهبود بخشم. «سازندگی، اصلاح و بهبود» هدف بنیادین نقد ترجمه و در حقیقت، آن چیزی است که عرفاً از نقد ترجمه انتظار می‌رود.

دومین هدف نقد ترجمه ماهیتی «حقوقی» دارد و به احقاق حق مربوط می‌شود. بارها و بارها شنیده یا خوانده‌ایم که اثر طبع فلان مترجم «حق مطلب» را در مورد فلان اثر ادبی ادا نکرده است. این احقاق حق از یک سو معطوف به نویسنده (و به طریق اولی، فرهنگ مبدأ) است که حق دارد آن چنان که سزاوار او و قلم اوست در فرهنگ مقصد معرفی شود و از سوی دیگر، معطوف به خواننده (و به تبع آن، فرهنگ مقصد) است که حق دارد مثلاً با فلان اثر ادبی در حد ارزش ادبی آن و متناسب با شأن و منزلت خالق اصلی اثر آشنا شود.

و اما هدف سوم نقد ترجمه که معمولاً کم‌تر به آن اشاره می‌شود «آگاهی‌بخشی»

است. منتقد ترجمه به دنبال آن است که سطح آگاهی عمومی را نسبت به نتیجه‌ی کار ترجمه ارتقاء بخشد. چنانچه فرآیند ترجمه توأم با غرض‌ورزی یا اعمال نیت معینی باشد، مثلاً اگر ساختارهای ایدئولوژیکی و عقیدتی یا جانب‌داری‌های منفعت‌طلبانه‌ی مترجم در نتیجه‌ی نهایی کار او اثر بگذارد، آنگاه این هدف سوم موضوعیت خواهد یافت. هم‌روژه و در سطحی بسیار گسترده با بروز این رفتارهای منفعت‌طلبانه در کنش عملی ترجمه مواجه‌ایم به‌ویژه در موقعیت‌های بخصوصی همچون ترجمه‌ی رسانه‌ای و برگردان اخبار سیاسی. این چرخش‌های ایدئولوژیکی اغلب آن‌قدر زیرکانه صورت می‌گیرند که کشف آن‌ها عموماً از خواننده‌ی عادی ساخته نیست. اما منتقد حرفه‌ای و نکته‌بین ترجمه به ابزارهای تحلیلی دقیقی مجهز است که او را قادر می‌سازد آن گزاره‌های ایدئولوژیکی نهفته در لایه‌های گوناگون زبان را بازیابی و خواننده را آگاه کند که فلان خبر بخصوص مغرضانه بوده است، تا وی در انتخاب‌های آتی خود سراغ فلان خبرگزاری بخصوص نرود یا بهمان روزنامه را نخواند یا به ترجمه‌ی این یا آن مترجم بخصوص اعتماد نکند. ازاین‌رو، منتقد ترجمه می‌تواند با هدف آگاهی‌بخشی عمومی شاخک‌های مخاطب را برای تشکیک در آنچه می‌خواند یا می‌شنود، حساس‌تر و حساس‌تر کند.

نقد ترجمه در ایران و در همه جای دنیا به دو شکل انجام می‌گیرد: نقد ژورنالیستی و نقد آکادمیک. استفاده از برجسب «ژورنالیستی» در این جا مطلقاً به این مفهوم نیست که هرآنچه به نام نقد ترجمه در مطبوعات عمومی و غیرتخصصی منتشر شود الزاماً هیچ ارزشی نخواهد داشت، بلکه منظور آن است که آن سنخ از نقد ترجمه که در مطبوعات غیرتخصصی منتشر می‌شود، قاعدتاً با آنچه نقد ترجمه‌ی آکادمیک می‌خوانیم، تفاوت‌های ماهوی و روش‌شناختی دارد. واقعیت آن است که بیش‌تر نقدهای ترجمه‌ای که این روزها به چاپ می‌رسند از نوع همان نقدهای ژورنالیستی است که عموماً، جز در موارد استثنائی، بسیار سطحی‌نگر هستند.

به‌طور کلی، این دو نوع نقد ترجمه چندین و چند تفاوت عمده دارند. اول از همه، نقد ترجمه‌ی ژورنالیستی ذهنیت‌گرا است، یعنی کم‌وبیش مبتنی بر ذوق و سلیقه‌ی شخصی است، درحالی‌که نقد آکادمیک عینیت‌گراست زیرا داعیه‌ی علمی بودن دارد و علم اساساً ملازم عینیت است. دوم این که نقد آکادمیک لزوماً باید همراه با بی‌طرفی باشد درحالی‌که در نقد ترجمه‌ی ژورنالیستی گاه سوگیری و

غرض ورزشی شخصی عملاً به هدف اصلی نقد بدل می‌شود. سوم آن‌که نقد ترجمه‌ی آکادمیک قاعداً باید بر پایه‌ی یک چارچوب نظری استوار باشد، درحالی‌که نقد ژورنالیستی عموماً این‌گونه نیست. در نتیجه، نقد ترجمه‌ی آکادمیک «نظام‌مند» است یعنی قابلیت پیش‌بینی دارد و مسیر آغاز و انجام‌اش از قبل صورت‌بندی شده است، درحالی‌که در نقد ترجمه‌ی ژورنالیستی کارِ نظام‌مندی نمی‌بینیم و شیوه‌ی عمل اصطلاحاً «مِن‌عندی» یا دلخواهی است.

نویسنده‌ی کتابی که پیش‌روی دارید تلاش داشته است تا با معرفی الگویی برای نقد ترجمه‌ی علمی و نظام‌مند، زمینه‌های نظری و عملی نقد ترجمه‌ی آکادمیک را به‌صورت توأمان و در حد بضاعت علمی و حرفه‌ای خود تقویت کند. هسته‌ی اولیه‌ی الگوی موردنظر در این کتاب رساله‌ی دکتری نویسنده بوده است که سال‌ها قبل با عنوان ایدئولوژی در ترجمه‌ی متون خبری: رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان به تأیید رسیده است. نویسنده‌ی کتاب سال‌های متمادی به آن ایده‌ی نخستین اندیشیده است، الگوی اولیه‌ی خود را آموزش داده، به کار بسته و به بحث گذاشته و با گرفتن بازخورد، به تکمیل آن اهتمام ورزیده است. باین حال، وی همچنان خود را وامدار محبت بی‌دریغ استادان فرهیخته‌ای می‌داند که در انجام آن پژوهش اولیه از راهنمایی و مشاوره‌ی ایشان بهره برده است: دکتر عباس اسلامی راسخ، دکتر محمد عموزاده و دکتر منوچهر توانگر.

راقم این نوشتار همچنین از یاری و هم‌فکری دو همکار گران‌قدر و دانشور خود، خانم سمانه فرهادی و دکتر محمدرضا لُرزاده، که نسخه‌ی پیش از چاپ کتاب را بارها مطالعه و نکات ارزنده‌ای را گوشزد کردند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کند. نویسنده همچنین بر همدلی همراه همیشه و هنوزش، ویکتوریا، و فرزندان دلبندش، پریا و مانیا، ارج می‌نهد و از سرِ مهر قدردان وجود آن‌هاست.